

نقد و بررسی مقاله «بازخوانی و تصحیح ابیاتی از قصیده بغدادیه

خاقانی (بر مدار نسخ چاپی)»

(ص ۴۶۹-۴۵۹)

یوسف اصغری با یقوت^۱، مهدی دهرامی^۲

چکیده

اخیرا مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی و تصحیح ابیاتی از قصیده بغدادیه خاقانی (بر مدار نسخ چاپی)» در فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار/ادب) منتشر شده که در تصحیح و ترجمه‌ای که نگارندگان آن ارائه داده‌اند، خطاهای فراوانی دیده می‌شود. در بیشتر مواقع به دلیل گزینش‌های ذوقی، صورتهای نادرستی از واژه‌ها و ابیات ارائه و به تبع آن ترجمه‌های ناروایی به دست داده شده تا جایی که نه تنها مشکلات مرتفع نگردیده بلکه بر آشفتگی ابیات نیز افزوده است. اشتباهات نویسندگان مذکور در چند حوزه قابل بررسی است: تصحیحات ذوقی و غیر علمی، توجه نداشتن به نکات صرفی و نحوی و ترجمه‌های نادرست. علاوه بر آن نویسندگان مقاله مذکور مطالبی در مقاله خود درج کرده‌اند که به دور از اخلاق پژوهش است. بسیاری از مطالب آن، چه از حیث ساختار و چه محتوا، برگرفته از مقالات نویسندگان این سطور است که متأسفانه به منبع اصلی ارجاع داده نشده است.

کلید واژه‌ها: نقد و بررسی مقاله، اشعار عربی خاقانی، تصحیح، اخلاق و امانتداری در پژوهش

^۱استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جیرفت y.asqari@ujiroft.ac.ir
^۲استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جیرفت dehrami@ujiroft.ac.ir

مقدمه

خاقانی یکی از شاعران مصنوع‌سرا و دشوارگویی است که معنا را با ایجاد پیچیدگی‌هایی که برخاسته از وسعت دانش و خلاقیت‌های هنری اوست بیان میکند. این شیوه که در اشعار عربی او نیز دیده می‌شود موجب شده دشواری درک معنا و مقصود شاعر در این بخش از اشعار او دو چندان گردد و از همین روی تصحیح آن نیز با مشکلات فراوانی همراه شود. با آنکه دیوان خاقانی چندین بار تصحیح شده اما باز مشکلات وارد شده در این بخش از اشعار او مرتفع نگشته است. به دلیل همین دشواری و پیچیدگی‌ها و نبود تصحیحی منقح، این بخش از اشعار خاقانی کمتر مورد توجه محققان واقع شده است. کسانی هم که به عرصه تصحیح و ترجمه اشعار عربی خاقانی وارد شده‌اند نتوانسته‌اند مشکل این بخش را مرتفع سازند. ارائه تصحیح منقح از اشعار عربی خاقانی و نقد و بررسی آن می‌تواند نشان‌گر ابعاد تازه‌ای از اندیشه‌های خاقانی، قدرت شاعری و خلاقیت‌ها هنری او باشد.

اخیراً مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی و تصحیح ابیاتی از قصیده بغدادیه خاقانی» (بر مدار نسخ چاپی) منتشر شده است؛ با آنکه نگارندگان آن، محدوده تحقیق خود را به یک قصیده اختصاص داده‌اند اما باز خطاهای فراوانی در تصحیح و ترجمه آنها دیده می‌شود. علاوه بر آن در مقاله مذکور جانب امانتداری در استفاده از نتایج تحقیقات دیگران نیز رعایت نشده است. به همان میزان که انتشار تحقیقات اهمیت دارد، نقد و بررسی و نشان دادن نقاط ضعف و قوت آنها نیز دارای اهمیت است زیرا از یکسو دقت و تأمل محققان را در انجام پژوهش یادآور می‌شود و از سویی دیگر مانع رواج نتایج و دستاوردهای بی‌اعتبار و ضعیف در جامعه علمی می‌گردد. نویسندگان این سطور در حد وسیع علمی خویش به نقد مقاله مذکور پرداخته و جوانب آن را هم از حیث اعتبار علمی و هم از نظر رعایت نکردن اخلاق نشان داده‌اند.

۱. نقدی بر ترجمه و تصحیح ابیات در مقاله مذکور

اصل بر آن است که تصحیح براساس نسخه‌های خطی انجام گیرد و در صورت لزوم و داشتن درجه اعتبار از تصحیحات موجود چاپی نیز بهره گرفته شود اما در مقاله مورد بحث هیچ توجهی به نسخه‌های خطی نشده است. صرف نظر از این مورد، در بیشتر مواقع به دلیل گزینش‌های ذوقی، صورت‌های نادرستی از واژه‌ها و ابیات ارائه و به تبع آن ترجمه‌های ناروایی به دست داده شده تا جایی که نه تنها مشکلات مرتفع نگردیده بلکه بر آشفتگی آنها نیز افزوده است. اشتباهات مقاله مورد بحث برخاسته از مواردی مانند تصحیحات ذوقی و ناصحیح، توجه نداشتن به نکات صرف و نحو عربی و ترجمه‌های نادرست و عوامل دیگر است. بخشی از این اشتباهات در مقاله حاضر مورد بررسی واقع می‌شود.

قَدْ یَسْتَبِی بِالْجِرَابِ وَاحْرَبًا أَبَا الْحَرَبِ اسْتَبَاءً بَغْدَادَ

(دیوان خاقانی، تصحیح سجادی: ص ۹۵۲)

نگارندگان مقاله مذکور «ابا الحریر» را براساس ذوق خود به صورت «ابنا الخدیر» تصحیح کرده و خدیر را نام سرزمینی دانسته‌اند که شهر سلوق در آن واقع بوده و افزوده‌اند به علت خمول و گمنامی در کتاب معجم البلدان به صورت «ارض الجدید» آمده است (ر.ک بازخوانی و تصحیح ابیاتی از قصیده بغدادیه خاقانی (بر مدار نسخ چاپی)، درزی رامندی و چک‌نژادیان: ص ۳۱۶) برپایه همین فرض، معنی بیت را این‌گونه به دست داده‌اند: «تصرف بغداد اهل خدیر را به ویرانی-که فغان از جنگ- سوق داد.» (همانجا) اما اینکه «اباالحریر» همان «ابنا الخدیر» است و میان بغداد و این شهر جنگی صورت گرفته، معلوم نیست نویسندگان بر چه استدلال و اسناد تاریخی به این نتیجه و استنباط رسیده‌اند. نگارندگان به این امر توجه نکرده‌اند که این بیت و بیت‌های قبل و بعد از آن در وصف زنان زیباروی بغداد و اسیرشدن مردان توسط آنهاست:

تَصِيدُ لَيْثَ الرَّجَالِ خَاتِلَةً بَعَيْنِ ظُبِّي نِسَاءَ بَغْدَادِ

تَرْمِي بِرَشْقِ اللَّحَاطِ وَأَعْجَبَا أَرَامِيَاتِ ظِبَاءِ بَغْدَادِ

(دیوان خاقانی، تصحیح سجادی: ص ۹۵۲)

«حریر» در بیت مورد بحث استعاره از زنان نازک‌اندام است و معنی بیت چنین است: «در جنگ، [جنگاوران] به اسیری گرفته میشوند- و دریغا از آن- که اسیر گرفتن در بغداد توسط زنان نازک‌اندام است!»

رَقِيقَةُ الرَّأْيِ غَيْدُهَا وَ عَدَا غَلِيظَةُ الْحَرْفِ رَاءُ بَغْدَادِ

(دیوان خاقانی، تصحیح سجادی: ص ۹۵۲)

نویسندگان مذکور به جای «راء بغداد» ترکیب «باء بغداد» را صحیح دانسته و در ترجمه آورده‌اند: «رای سبک و خفیف برای جدیر وجود دارد در حالیکه بای بغداد سخت و ستبر است [حتی در حروف نیز بغداد بر جدیر برتری دارد]» (بازخوانی و تصحیح ابیاتی از قصیده بغدادیه خاقانی (بر مدار نسخ چاپی)، درزی رامندی و چک‌نژادیان: ص ۳۱۶) معنی بیت کاملا اشتباه است و نویسندگان به دلیل اشتباهی که در تصحیح «خدیر» در بیت قبل- که مورد بحث واقع شد- مرتکب شده‌اند، به بیراهه رفته‌اند. باید توجه داشت مصرع دوم اشاره به غلیظ و ثقیل بودن حرف «راء» در زبان بغدادیان دارد چنانکه خاقانی در بیتهای بعدی به آن اشاره میکند:

کوفی سیر و غلیظ بنیاد چون راء به زبان اهل بغداد

(تحفه‌العراقین:ص ۲۳۳)

خاقانی میان دو «را» جناس تام برقرار کرده است. («رای» به معنای اندیشه و «را» به عنوان یکی از حروف الفبا) بر این اساس معنی بیت این‌گونه است: زنان لطیف الاعضا و زیبای بغداد، رأی و اندیشه ای نرم و نازک (روشن و روان) دارند هرچند که حرف راء [برای اهل] بغداد درشت و خشن است.

عَدَتْ وَجُوهُ الْمُلُوكِ تَخْدِمُهُ عَنُوءاً وَ يَنْمِي غَلَاءَ بَغْدَادِ

(دیوان خاقانی، تصحیح سجادی:ص ۹۵۳)

نگارندگان مقاله مورد بحث «ینمی» را که در تصحیح سجادی آمده اشتباه دانسته و آن را با توجه به چاپ عبدالرسولی و جهانگیر منصور و به تعبیر خود آنها «به قرینه استحسان معنایی» به صورت «ینوی» (به معنای نیت کردن) صحیح دانسته و معنی بیت را چنین آورده‌اند: «پادشاهان با فروتنی او را خدمت میکنند در حالی که بلندی و شکوهمندی بغداد نیت آنان است.» (بازخوانی و تصحیح ابیاتی از قصیده بغدادیه خاقانی (بر مدار نسخ چاپی)، درزی رامندی و چک‌نژادیان:ص ۳۲۰) معنی ارائه شده حتی براساس تصحیح خود آنها نیز اشتباه است و تناسبی با ساختار بیت ندارد. قافیه در این قصیده در مقام رفع است و نگارندگان به این نکته نحوی توجه نداشته‌اند که با آوردن «ینوی» کلمه «علاء» در نقش فاعلی معنای محصلی نخواهد داشت (بلندی بغداد قصد و نیت میکند) در این بیت نیز «علاء» فاعل برای فعل ماقبل خود است پس فعل «ینوی» در این بیت صحیح نیست و همان ضبط سجادی اصح است که براساس آن معنای بیت چنین است: «پادشاهان با چهره ای متواضعانه، او [امام المستضی] را خدمت میکنند و [با وجود او] مقام و منزلت رفیع بغداد [هر روز] رشد و افزونی مییابد.»

تَبَّتْ يَدَا مَنْ يَدُمُ تُرْبَتَهَا فَتَبَّتْ ذَا بِنَاءِ بَغْدَادِ

(دیوان خاقانی، تصحیح سجادی:ص ۹۵۱)

نگارندگان مذکور «تبت» در مصرع دوم را فعل و «ذا» را که اسم اشاره است اسم موصول انگاشته و چون معنی ناقص و مغایر مقصود شاعر حاصل میشده در گروه جملاتی را افزوده و ترجمه نادرستی ارائه داده‌اند: «کسی که خاک بغداد را سرزنش میکند در خسران و هلاکت باد(دو دستش بریده باد). پس شهر بغداد کسی را [که در آن است و آن را نکوهش میکند] از میان بردارد.» (بازخوانی و تصحیح ابیاتی از قصیده بغدادیه خاقانی (بر مدار نسخ چاپی)، درزی رامندی و چک‌نژادیان:ص ۳۱۱) حال آنکه «تبت» در مصرع دوم نام سرزمین مرتفع و معروف در آسیای مرکزی است که مشک آن شهره است و خاقانی بارها به این خصوصیت تبت اشاره کرده است:

صد نافه مشک دادمش از تبت ضمیر گر یک بخور یافتم از مجمر سخاش

(دیوان خاقانی، تصحیح سجادی: ص ۲۱۹)

توجه به بیت بعد نیز صحت «تبت» را در ساختار اسمی آن تقویت میکند:

مَسْتَكَّ رُوحُ الْجِنَانِ تُمْسِكُهُ ذَا الْمِسْكُ لَا بَلْ رُخَاءُ بَغْدَادِ

(همان: ص ۹۵۱)

خاقانی میان دو «تبت» جناس تام برقرار کرده است که براساس آن معنی صحیح بیت چنین است: بریده باد دستهای آنکسی که خاک بغداد را مذمت میکند! چه این بنای بغداد خود به تبت میماند.

وَ هَذِهِ الْأَحْرَفُ الثَّلَاثَةُ لِي مَابُ خَيْرٍ فِنَاءُ بَغْدَادِ

(دیوان خاقانی، تصحیح سجادی: ص ۹۵۱)

در ترجمه آورده‌اند: «و این حروف سه گانه (م، ص، ر = مصر) در نزد من است در حالیکه بازگشتنگاه بهتر شهر بغداد است.» (بازخوانی و تصحیح ابیاتی از قصیده بغدادیه خاقانی (بر مدار نسخ چاپی)، درزی رامندی و چکنژادیان: ص ۳۱۰) عدم توجه به بیت قبلی قصیده یعنی:

وَ مِيمٌ مِصْرٌ أَذَلُّ مِنْ أَلْفٍ أَلْوَصَلُ إِذَا لَاحَ بَاءُ بَغْدَادِ

(دیوان خاقانی، تصحیح سجادی: ص ۹۵۱)

موجب شده معنای نادرستی ارائه شود. منظور از حروف سه گانه در این بیت «م، ا، ب» است که از پیوند آن‌ها واژه «مآب» حاصل میشود. معنی بیت: با این سه حرف (میم و الف و باء)، آستانه بغداد برای من بهترین مآب (محل بازگشت) است.

قُلْ لِمِصْرٍ بِذِكْرِ مِصْرٍ أَنْبُ فَمَا لِمِصْرٍ سَنَاءُ بَغْدَادِ

(دیوان خاقانی، تصحیح سجادی: ص ۹۵۰)

«انب» در چاپ سجادی به همین صورت و در چاپ عبدالرسولی به صورت «انت» آمده که نگارندگان مقاله مذکور هر دو را صحیح دانسته و معانی آنها را به ترتیب «نکوهیده و خوار شود» و «سروشکسته شود» گرفته‌اند در حالی که «انب» فعل امر از ریشه «نوب» (به معنای توبه کردن و برگشتن) در باب افعال است. معنی صحیح بیت چنین است: «به کسی که در یاد کرد مصر اصرار و پافشاری میکند، بگو [از گفته خود] توبه کن؛ [چونکه] مصر، بلندی و رفعت بغداد را ندارد.»

شَارَفْتَهَا مُعْرَبًا كَيْعْرِبَهَا فَرَّاشَ نَبْلِي حِبَاءُ بَغْدَادِ

(دیوان خاقانی، تصحیح سجادی: ص ۹۵۳)

نگارندگان مذکور واژه «کیعربها» را که در چاپ سجادی آمده به صورت «کیعربها» تصحیح کرده‌اند که خطاست. چرا که این واژه را فعل محسوب کرده‌اند در حالی که ساختار اسمی دارد و حرف جر «ک» (ادات تشبیه) بر سر آن آمده است. خطای دیگر اینکه مرجع ضمیر «ها» را در فعل «شارفتها» به اشتباه، حسود دانسته‌اند در حالی که آن به شهر بغداد بر می‌گردد. در معنی بیت

آورده‌اند: «از حسود در فصاحت عربی برتری یافتیم تا آنجا که او را اِبِه سخنش در برابر من [سرزنش میکنند، بخشش بغدادیان تیر [هوش] من را پر نشاند. (توانگر ساخت و به این مقام رساند.» (بازخوانی و تصحیح ابیاتی از قصیده بغدادیه خاقانی (بر مدار نسخ چاپی)، درزی رامندی و چک‌نژادیان: ص ۳۱۸)

واژه «یعرَب» در این بیت اسم است و منظور از آن یعرَب بن قطحان، پدر قبایل یمن، و اول کسی است که به زبان عربی سخن گفته است، در اساطیر، او را پدر عرب و واضع زبان تازی دانسته‌اند (ر.ک منتهی الارب، صفی‌پور، ذیل یعرَب) بیت بعدی این قصیده نیز که در آن خاقانی خود را در سخنوری به «قس بن ساعده» (از بلغای عرب) مانند کرده و ساختار و مضمونی شبیه بیت قبل دارد این نکته را بیشتر تقویت میکند:

حَطَبْتُ فِيهَا كُفْسٌ سَاعِدَةٌ فَسَاعَدْتَنِي ذُكَاءُ بَغْدَادِ

(دیوان خاقانی، تصحیح سجادی: ص ۹۵۳)

پس معنی صحیح بیت مورد بحث چنین است: «من در بغداد همچون یعرَب با زبان فصیح عربی [با شاعران و نویسندگان عرب زبان] رقابت کردم و [در این رقابت] بغداد با بخشش های خود بال و پری بر تیرم نهاد. (و مرا در هدفم یاری داد.)

تَرْمِي بِرَشْقِ اللَّحَاظِ وَاعْجَبَا أَرَامِيَاتٍ ظِبَاءُ بَغْدَادِ

(دیوان خاقانی، تصحیح سجادی: ص ۹۵۲)

در مورد واژه «ارامیات» آورده‌اند: «این واژه بدین صورت معنای محصلی ندارد. پس احتمال تغییر و تصحیف در آن می‌رود. به زعم نویسندگان، این واژه جمع مونث سالم کلمه «رامی» به معنی «تیرانداز» است. پس اصل کلمه به صورت «الرامیات» یعنی «تیراندازان» صحیح است.» (بازخوانی و تصحیح ابیاتی از قصیده بغدادیه خاقانی (بر مدار نسخ چاپی)، درزی رامندی و چک‌نژادیان: ص ۳۱۴) نگارندگان مذکور معنی بیت را این‌گونه آورده‌اند: «شگفتا آهوان بغداد با کمان گوشه چشم، تیراندازان را شکار میکنند.» (همانجا)

نویسندگان مقاله تشخیص نداده‌اند که همزه (أرامیات) همزه استفهام است نه همزه (ال)، و دیگر اینکه (رامیات) را مفعول به در نظر گرفته‌اند در حالی که مبتدا است. نکته دیگر اینکه اگر «الرامیات» را طبق تصحیح نویسندگان مذکور صحیح بدانیم معنای دقیق بیت چنین میشود: «شگفتا آهوان بغداد با کمان گوشه چشم، زنان تیرانداز را شکار میکنند» که معنای محصلی ندارد چرا که آهوان بغداد، خود استعاره از زنان زیباروی است و شکار شدن زنان توسط زنان در این قصیده موضوعیت ندارد. بنابراین «أرامیات» صحیح و معنای بیت چنین است: شگفتا که زیبارویان آهووش بغداد با نگاه تند و تیزشان تیر اندازی میکنند! آیا آهوان (= زیبارویان) بغداد تیر اندازند؟

در مقاله مذکور غالب تصحیح و ترجمه‌هایی که از ابیات ارائه داده شده ذوقی بوده و خالی از خطا و اشکال نیست. در این مقاله تنها به بخشی از آن اشاره شد. ضروری است نویسندگان مقالات علمی با تامل و دقت بیشتری تحقیقات خود را به انجام رسانند و از شتاب‌زدگی پرهیز داشته باشند.

۲. رعایت نکردن اخلاق علمی

عرصه تحقیق و پژوهش از قدیم، محققان بی‌شماری به چشم خود دیده که در کنار تحقیقات ارزنده خود هیچ‌گاه جانب اخلاق را فرونگذاشته‌اند. هنوز نیز چنین افرادی در جامعه علمی کشور کم نیستند که با رعایت جوانب اخلاق، تحقیقات خود را عرضه میدارند و علم و اخلاق را با هم پیوند میزنند. در مقاله مورد بحث، متأسفانه مسائلی مانند تحریف پیشینه تحقیق، نقل آراء و دستاوردهای علمی دیگران بدون ذکر منبع، رعایت نکردن حقوق نویسندگان دیگر و... دیده میشود که نشانگر مغفول ماندن جانب اخلاق علمی در آن است. برخی تصور میکنند اگر از اثری در پیشینه تحقیق یا فهرست منابع ذکری به میان آورند، میتوانند از مباحث و نتایج آن در نوشته خود بدون ارجاع استفاده کنند. آنچنانکه در ادامه خواهیم دید بارها این موضوع در مقاله مورد بحث دیده میشود.

یکی از شیوه‌های استفاده از تحقیقات دیگر بدون ذکر منبع، آن است که فردی محتوا یا نتایج اصلی تحقیقی را با انشای متفاوتی بازنویسی میکند که گاه حتی یک لفظ نیز شبیه کار قبل نیست اما محتوا و نتیجه اصلی یکسان است. در مقاله مورد بحث مطالب فراوانی آمده که نقل به مضمون شده است. در تصحیح و توضیح ابیات زیر:

سَيَقْتَدِي حَيْصَ بَيْصِ بِي مَعْمَا بِحَيْصِ بَيْصِ اِفْتِدَاءِ بَعْدَادِ
مَا حَيْضٌ بِالْفَتَى وَ مَا نَبْضٌ بَلْ كَلِمَاتٌ هُـرَاءُ بَعْدَادِ
حَيْضٌ وَ بَيْضٌ كَارْتَبٍ وَ قَطَا لَهُ وَ مِنْهُ مُكَّاءُ بَعْدَادِ

(دیوان خاقانی، تصحیح سجادی: ص ۹۵۲-۹۵۳)

آورده‌اند: «خاقانی با آوردن نام «حیص و بیص» فقیه و شاعر عرب، شروع به مضمون سازی کرده و با توجه به ساختار کلمات و استفاده از تشابه الفاظ مانند «حیص و بیص، حبض و نبض، حیض و بیض» خلاقیت هنری و اهتمام به ساختار و صورت کلمات را به رخ خواننده میکشد...» و در توضیح بیت دوم آورده‌اند: «حیص در این بیت تصحیف «حبض» است که به همراه واژه «نبض» به معنی جنبش و حرکت کاربرد داشته و از ضرب‌المثل‌های عربی است... معنی بیت: حیص بیص شاعر هیچ جنبش و شوری ندارد بلکه اشعار بی‌ارزش [در یا درباره] بغداد [او را مغرور و شیفته ساخته است]» و در معنی بیت سوم آورده‌اند: «حیص و بیص مثل خرگوش حیص میبیند و برای شکارش صیادان دام میگسترند و مثل مرغ قطا تخم میگذارد و با صغیرش شکارش میکنند.»

درزی رامندی و چکنژادیان، ۱۳۹۳: ۳۱۶-۳۱۸) در مقاله «ضرورت تصحیح مجدد اشعار عربی خاقانی» از نگارندگان این سطور نیز همین واژه‌ها تصحیح شده و در توضیح آنها آمده است: «حَبْضٌ: میتواند با توجه به «نَبْضٌ» مصحف «حَبْضٌ» باشد که در مَثَل گویند: «ما بِه حَبْضٌ و لا نَبْضٌ: هیچ حرکتی ندارد» (ر.ک منتهی‌الارب ذیل نبض، مهذب‌الاسماء، ۸۳ و المنجد فی اللغه ذیل حبض). حَبْض و نَبْض هر دو به معنی «جنبش و قوت و بقیه جان» است. خاقانی با رعایت جناس تصحیف، صورت‌های مختلف «حیص و بیص» را در بیت قبل و بعد از آن آورده است... در مصراع اول بیت نخست «حیص بیص» منظور شاعری است به نام سعدبن محمد بن سعد صیفی تمیمی... معنای بیت چنین است: حیص و بیص از خود هیچ جنبشی ندارد [یعنی هیچ شعر و سخنان پویایی از خود ندارد] بلکه سخنان بی‌ارزش بغداد برای او در حکم سخنان و اشعار ارزشمند است.

در بیت سوم «حیص و بیص» به صورت دو واژه جدا از هم استفاده شده و معنی بیت این‌گونه است: او (= حیص و بیص) مانند خرگوش حیص میبیند و مانند مرغ قطا تخم (بیضه) میگذارد و در بغداد برای او صدایی مانند صفیر پرندگان است. «ضرورت تصحیح مجدد اشعار عربی خاقانی، اصغری بایقوت و دهرامی: ص ۱۲-۱۳)

آیا این تشابهات نقل به مضمون بدون ذکر منبع نیست؟ آیا عبارت «خاقانی با رعایت جناس تصحیف، صورت‌های مختلف «حیص و بیص» را در بیت قبل و بعد از آن آورده است» از نظر محتوایی و استدلالی تفاوتی با این عبارت دارد؟ «توجه به ساختار کلمات و استفاده از تشابه الفاظ مانند «حیص و بیص، حبض و نبض، حیص و بیص» خلاقیت هنری و اهتمام به ساختار و صورت کلمات را به رخ خواننده میکشد». نیز آیا استدلال به کاربرد «حبض و نبض» در ضرب‌المثل عرب و نمونه‌های دیگر که در متن دیده شده جز تغییر در لفظ و بازنویسی مطلب چیز دیگری است؟ در نقد ادبی اصطلاحاتی وجود دارد که متاسفانه موجب سوءاستفاده برخی شده است. یکی از این موارد توارد است. هرچند این اصطلاح میان شاعران بیشتر رایج است اما به حوزه تحقیقات علمی نیز راه یافته است و تشابهات میان دستاوردهای دو تحقیق را از حیث توارد میدانند. غافل از آنکه توارد یعنی اینکه از کار قبل آگاه نباشند ولی وقتی آن را دیده باشند و مورد مطالعه قرار دهند و بعد تحقیق را انجام دهند چنین اصطلاحی از کارکرد معنایی خود ساقط میشود. به عنوان مثال در مقاله مورد بحث در تصحیح «فیج» در این بیت:

یا فیج شروان خذ کتابی‌ها واحمل ففیه ثناء بغداد

(دیوان خاقانی، تصحیح سجادی: ص ۹۵۱)

شکل صحیح را به صورت «فیج» دانسته‌اند و در ذکر دلایل خود آورده‌اند: «"فیج و فیج" هیچکدام معنی درستی در این بیت ندارند. فیج به معنی فراخی و وسعت است (رک فرهنگ ابجدی، ذیل همین مدخل). با توجه به واژه‌ها این بیت: «کتاب» به معنی نامه و ثنا» و محور عمودی قصیده

میتوان حدس زد که این واژه تصحیف کلمه دیگری است. نزدیکترین واژه به این کلمه «الفیح» است به معنی برید و پیک...» (بازخوانی و تصحیح ابیاتی از قصیده بغدادیه خاقانی (بر مدار نسخ چاپی)، درزی رامندی و چک‌نژادیان: ص ۳۱۳) در پانویشت مقاله ذکر کرده‌اند: «متواردا به این نکته در مقاله مهدی دهرامی و علیرضا اسکندری بایقوت- که در پیشینه پژوهش ذکر آن رفت- اشاره شده است.» (همانجا) علاوه بر مبهم بودن این جمله، مشخص نیست چگونه کسانی که دو سال قبل از آن مقاله‌ای نوشته باشند «متواردا» به نتیجه یکسان با مقاله ایشان رسیده‌اند. بهتر است توضیحات مقاله نویسندگان این سطور در مورد این واژه نیز ذکر شود شاید معنای «متواردا» از دیدگاه نویسندگان مقاله مورد بحث مشخص گردد: «الفیح به معنای وسعت، گشادگی و بسیاری گیاه است (ر.ک المنجد فی اللغة). به این معانی مقصود بیت حاصل نمیشود. طبق پانویشت نسخه سجادی در نسخه ط «قبح» آمده که باز در این بیت مفید معنا نیست. این اختلاف در نسخه‌ها نشان‌دهنده تصحیف‌های متفاوت این واژه است. با توجه به واژه‌ها دیگر و فضای حاکم بر بیت که سخن از رساندن نامه است میتوان گفت «فیح» تصحیف «فیح» به معنی «سفیر و قاصد، مردم و خادم» است.» (ضرورت تصحیح مجدد اشعار عربی خاقانی، اصغری بایقوت و دهرامی: ص ۱۶) یکسانی محتوایی و استدلال مشابه میان این دو متن چنان است که توارد رنگ میبازد. در جایی دیگر نویسندگان مذکور واژه «سجاء» در بیت زیر را اشتباه و صحیح آن را «سحاء» دانسته‌اند:

بَلِّغْهُمُ الدَّهْرُ حِينَ أَخْتِمُهُ وَ فَوْقَ خَتْمِي سَجَاءُ بَغْدَادِ

(دیوان خاقانی، تصحیح سجادی: ص ۹۵۱)

و در ترجمه آورده‌اند «زمانی که نامه‌ام را مهر زدم و به پایان رساندم و در حالی که بالای مهر من عنوان بغداد بود روزگار آن را بوسید.» (بازخوانی و تصحیح ابیاتی از قصیده بغدادیه خاقانی (بر مدار نسخ چاپی)، درزی رامندی و چک‌نژادیان: ص ۳۱۳) همین واژه در مقاله نگارندگان این سطور نیز به صورت «سحاء» تصحیح شده و در معنی بیت آمده است: «آن‌گاه که نامه را مهر میکردم روزگار آن را بوسید؛ نامه‌ای که در آن عنوان و نام بغداد بالای مهر من است.» (ضرورت تصحیح مجدد اشعار عربی خاقانی، اصغری بایقوت و دهرامی: ص ۲۳ و ۱۴) به جز استفاده کردن نگارندگان مذکور از مقاله «ضرورت تصحیح مجدد اشعار عربی خاقانی» بدون ذکر منبع، از مقاله‌های دیگری نیز استفاده کرده‌اند که در آن موارد نیز ارجاع نداده‌اند. از جمله در مورد این بیت:

يَرْكُضُ خَيْلُ الْمُنَى بِعَرَضَتِهَا فَلِي بَرُودٌ هَبَاءُ بَغْدَادِ

(دیوان خاقانی، تصحیح سجادی: ص ۹۵۱)

در مورد دلایل اشتباه بودن واژه «برود» که در برخی چاپ‌های دیوان خاقانی بجای «برود» آمده بعد از ذکر معانی مختلف آن از چند فرهنگ، آورده‌اند: «برود» به معنای سرمه و توتیا اصح است نه "برود"... معنی بیت: سواران آرزوها در میدان بغداد می‌تازند در حالیکه گرد و خاک [برخاسته از این تاختن] برای من سرمه و توتیاست» (بازخوانی و تصحیح ابیاتی از قصیده بغدادیه خاقانی (بر مدار نسخ چاپی)، درزی رامندی و چکنژادیان: ص ۳۱۲) حال آنکه سه سال پیش از چاپ مقاله مورد بحث، در مقاله دیگر نگارندگان این سطور این تصحیح انجام گرفته و چنین توضیح داده شده است: «برود» (به فتح اول) در این بیت به معنای توتیاست. با توجه به سنت ادبی که عاشق، غبار کوی معشوق را سرمه چشم خود می‌پندارد، برای بیت معنی مفید حاصل میشود: «اسب آرزوها در عرصه بغداد جولان میکنند؛ بغدادی که غبارش توتیای چشم من است.» (نقد کتاب آفتاب نهان خاقانی، اصغری بایقوت و دهرامی: ص ۶۲) قابل ذکر است عنوان این مقاله در فهرست منابع مقاله مورد بحث آمده اما در متن ارجاع داده نشده است. علاوه بر این موارد، مطالب دیگری نیز در این مقاله برگرفته شده از مقالات قبل است که داوری آن را به عهده مخاطبان می‌گذاریم.

موضوع دیگری که در مقاله مورد بحث رعایت نشده رعایت حقوق نویسندگان دیگر است. رعایت دقت و امانت در همه بخش‌های تحقیق ضروری است. در این راستا موردی که در برخی مقالات دیده میشود و میتوان آن را نیز از وجوه رعایت نکردن اخلاق علمی دانست ذکر نکردن یا ذکر اشتباه نام برخی از محققان است. ذکر مغلوط نام اثر یا نویسنده جز در موقعی که سهوا و به دلیل نگارشی صورت می‌گیرد پذیرفتنی نیست. در مقاله مورد بحث در همه موارد (دوبار در پیشینه تحقیق، دوبار در فهرست منابع و مآخذ و یکبار در محلی که به تواتر اشاره کرده‌اند که پیش از این ذکر آن رفت) نام «یوسف اصغری بایقوت» به صورت «علیرضا اسکندری بایقوت» آمده است که جز لفظ «بایقوت» هیچ اشتراکی با نام اصلی نویسنده ندارد. تکرار این اشتباه را نمیتوان ناشی از خطای نگارشی دانست. اگر صاحبان این قلم، نویسندگان مقالات پیشین نبودند این اشتباه به دشواری درک میشد. ضروری است برای رعایت حقوق نویسنده در ذکر نام او دقت شود. نگارندگان مذکور گویی مقاله را با شتاب و بدون دقت کافی انجام داده‌اند. در ذکر نام مقالات نیز سهل‌انگاری‌هایی در مقاله مذکور دیده میشود آنچنانکه لفظ «مجدد» از عنوان مقاله «ضرورت تصحیح مجدد اشعار عربی خاقانی» از قلم افتاده و نیز مقاله «نقد کتاب آفتاب نهان خاقانی» به «نقد و معرفی آفتاب نهان خاقانی» تغییر یافته است. براین اساس مخاطبی که بخواهد به مقالات قبل دست یابد، نه از طریق جستجوی نام نویسنده در تارگه‌های نمایه‌کننده مقاله موفق میشود نه از طریق عنوان مقالات. به خصوص اینکه عنوان نشریه‌ای که مقالات در آن چاپ شده نیز به صورت صحیح و کامل ذکر نشده است.

برای پرهیز از اطناب، تنها به بررسی برخی از معایب مقاله مورد بحث پرداخته شد. انتظار می‌رود کسانی که به تحقیق در زمینه خاقانی می‌پردازند دست‌کم به این نکته واقف و پایبند باشند آنچنانکه یکی از ویژگی‌های مهم خاقانی تازگی در تصویر و مضمون و دوری از تکرار و سرقت مطالب دیگران است آنان نیز یافته‌های دیگران را به خود منسوب نسازند.

نتیجه‌گیری

بررسی مقاله مورد بحث بیانگر آن است که متأسفانه علاوه بر آنکه اصول اخلاقی در آن رعایت نشده، حاصل پژوهش نیز از حیث علمی ضعیف و نامعتبر است. به علت شتابزدگی، گزینش‌های ذوقی، توجه نداشتن به نکات صرفی و نحوی، بهره نگرفتن از نسخه‌های خطی، توجه نداشتن به ارتباط طولی ابیات و عوامل دیگر، در تصحیحاتی که نگارندگان مقاله مذکور از ابیات عربی خاقانی داشته‌اند خطاهای فاحشی راه یافته است. ترجمه‌هایی که ارائه شده نیز ناقص و گاه کاملاً غلط و بدون تناسب با صورت عربی ابیات و محتوای قصیده است. به طور کلی مقاله مورد بحث نه تنها مشکلات این بخش از اشعار عربی را رفع نساخته بلکه بر آشفتگی ابیات نیز افزوده و صورت‌های ناصحیح دیگری از ابیات و واژه‌ها به دست داده است. با چنین تحقیقات شتاب‌زده و غیرعلمی نمیتوان تصحیح منقحی از اشعار عربی خاقانی عرضه داشت. از سویی دیگر اخلاق علمی و امانتداری و ضوابط استفاده از تحقیقات دیگران نیز در این مقاله مغفول مانده و برخی از مطالب آن برگرفته از تحقیقات دیگران بدون ارجاع به منبع آن است.

منابع و مأخذ

۱. «ضرورت تصحیح مجدد اشعار عربی خاقانی»، اصغری بایقوت، یوسف و مهدی دهرامی، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۲۰، شماره ۷۲ (صص ۷-۲۴)، ۱۳۹۱
۲. «نقد کتاب آفتاب نهان خاقانی»، اصغری بایقوت، یوسف و مهدی دهرامی، کتاب ماه/ادبیات، سال پنجم، شماره ۵۲ (صص ۶۴-۵۹)، ۱۳۹۰
۳. دیوان خاقانی شروانی، خاقانی شروانی، افضل‌الدین، به کوشش ضیاء‌الدین سجادی، چاپ ششم، تهران: زوار، ۱۳۷۸
۴. تحفه العراقین، خاقانی شروانی، افضل‌الدین، به اهتمام یحیی قریب، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۲۵۳۷
۵. «بازخوانی و تصحیح ابیاتی از قصیده بغدادیه خاقانی (بر مدار نسخ چاپی)»، درزی رامندی، هادی و ناصر چک‌نژادیان، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۲۴، (صص ۳۰۵-۳۲۲)، ۱۳۹۳
۶. منتهی‌الارب فی لغة العرب، صفی‌پور، عبدالرحیم، چاپ ۲۱. تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۷۷. ه.